

پایان «اصلاح طلبی»، اکنون چه؟

روز یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۱ با پایان یافتن کار شمارش آرای انتخابات «شوراهای شهرو روستا»، در اکثر شهرها و روستاها، مشخص شد که تنها حدود ۳۹ درصد کسانی که حق دادن رای داشته اند در انتخابات شرکت کرده اند. در تهران میزان مشارکت واجدان شرایط در انتخابات تنها ۱۲ درصد اعلام شده است.

بدیهی است که این پایین ترین میزان مشارکت مردم ایران در انتخابات گوناگون در سال های اخیر به ویژه از سال ۱۳۷۶ است که محمد خاتمی به ادعای رژیم با بیش از ۷۰ درصد واجدین شرایط در آن شرکت کرده بودند، انتخاب شد. محمد رضا خاتمی دبیر کل جبهه مشارکت و نایب رئیس مجلس، در سخنان خود در مجلس، در مورد میزان مشارکت مردم در انتخابات گفت: "پیام اصلی این انتخابات این بود که ما با کاهش چشم گیر مشارکت مردم در شهرهای بزرگ مواجه بودیم." او گفت: ما باید بیاندیشیم و درباره مشکلات مختلفی که وجود دارد، فکر کرده و تلاش کنیم بفهمیم چرا ۲۵ میلیون نفر در انتخاب شرکت نکردند."

«فهم» علت عدم شرکت مردم در انتخابات بسیار روشن است. تنها افراد کودن و یا مغرض از درک چنین روندی عاجز هستند. علت این است که مردم زحمتکش ایران در انتخابات های پیشین برای مخالفت با «اقتدارگرایان» به «اصلاح طلبان» روی آورده و بین «بد» و «بدتر» اولی را انتخاب کردند. اما به تدریج اعتماد آنها از گرایش «بد» نیز زوده شد. زیرا مردم ایران در عمل دریافته اند که نه تنها «قول قرارهای» این جناح همه بی اساس و پوچ بوده؛ بلکه این عده نیز، با وجود اختلافات، خود بخشی از همان هیئت حاکم اند. آنها نیز همانند جناح دیگر خواهان سرکوب و ارباب اند. بنابر این مردم در عمل دریافته اند که انتخاب «بد» یعنی فراهم شدن امکانات برای «بد تر» شدن همان. در گذشته مردم به دشمن دشمنانشان رای دادند، لکن اینبار انتخابات هر دو دشمن را تحریم کردند.

توده های تحت استثمار و ستم ایران شش سال است که معطل «اصلاح طلبان» بوده اند. از یک سو، پس از شش سال «تشنگی» برای بهبود وضعیت ابتدایی ترین حقوق و آزادی های دموکراتیک آنان شاهد دور شدن متداوم، و سپس ناپدید شدن، «سراب» «اصلاحات» سیاسی بوده، و اکنون این «راه حل» را رها کرده اند. از سوی دیگر، هر شاخص مسایل اقتصادی و اجتماعی - بیکاری، تورم، حقوق معوقه، کار کودکان، کودکان خیابانی، زنان روسپی و غیره - به مراتب از شش سال پیش تشدید و گسترش یافته است. توده ها احساس می کنند که این خیمه شب بازی «انتخابات» و «کشمکش» های متداوم بین «اصلاح طلبان» و «اقتدارگرایان» صرفاً سرشان را گرم کرده تا سرمایه داران، چه «مدرن» و چه «سنتی»، به چپاول و سودجویی خود ادامه دهند. در انتهای این پروسه شش ساله توده ها فقیرتر و سرمایه داران ثروتمندتر شدند!

اما، آنچه هنوز به وضوح مشاهده نشده، این است که سیاست «اصلاح طلبان» فراتر از اینها نیز خواهد رفت. در واقع این جناح با مذاکرات پشت پرده با دول سرمایه داری غربی در حال زمینه ریزی برای یک دوره ای از استثمار مضعف مردم، تحت پوشش «دمکراسی» و «اصلاحات» هست. این جناح برای حفظ منافع سرمایه داران بومی و غربی از هیچ اقدامی برای تحمیل مردم کوتاهی نخواهد کرد. آنها در حال تدارک بریدن سر مردم ایران با پنبه هستند. نتیجه این انتخابات همچنان بی اعتباری تحلیل ها و نظراتی که تحت لوای دفاع از «دمکراسی» و «انقلاب دموکراتیک»، حمایت از «اصلاح طلبان» را توجیه می کردند، را نشان می دهد.

عدم شرکت مردم ایران می تواند آغازی برای تدارک ایجاد بدیل حکومتی ای از نوعی دیگر باشد. حکومتی که خواهان لغو مالکیت خصوصی و استثمار باشد. مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگران، دانشجویان و زنان، (مستقل از دولت و تمام احزاب سیاسی) می تواند زمینه را برای تدارک جایگزینی کل نظام؛ فراهم آورد. ایجاد چنین تشکل هایی با تشکیل یک حزب پیشنار انقلابی گره خورده است.

اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران
سیزده اسفند هزار و سیصد و هشتاد و یک

برای مطالعه فراتر مواضع اتحادیه به سایت زیر رجوع شود:

<http://www.kargar.org>